

بورژوازی ملاکان

رضا مجیدزاده

دیباچه

پس از وقوع شوک اول نفتی در سال ۱۳۵۲ خورشیدی، حجم زیادی از ارزش ناشی از فروش نفت در اختیار دولت ایران قرار گرفت. سپس از میان دو گزینه تزریق حجم عظیم پول نفت در اقتصاد ایران و صرف آن برای مخارج مصرفی از یک طرف، و توجه به ظرفیت جذب و انجام سرمایه‌گذاری یا انباشت آن بدون انتقال شوک به اقتصاد ایران از طرف دیگر، گزینه اول انتخاب گردید و در نتیجه، حجم نقدینگی به شدت افزایش یافت. افزایش حجم نقدینگی، به معنای افزایش تقاضای کل در اقتصاد بود، منتها طرف عرضه در دوره بسیار کوتاه مدت، توانایی تامین این میزان افزایش تقاضا را نداشت و با تقابل تقاضای جدید و عرضه کل کم‌کشش، تورم شدیدی بر اقتصاد ایران تحمیل شد. به دنبال تورم شدید، قیمت کالاهای خارجی نسبت به قیمت کالاهای داخلی بسیار ارزانتر شد، ضمن این که طرف عرضه توان پاسخگویی به تقاضای انباشته را نداشت. از اینرو، واردات کالاهای قابل مبادله، یعنی منقول، به شدت افزایش یافت و قیمت کالاهای غیرقابل انتقال، همانند مسکن و زمین، همراه با تورم افزایش پیدا کرد، زیرا امکان واردات آنها وجود نداشت. نرخ رشد قیمت زمین و مسکن در دهه ۱۳۵۰ بیش از ۱۰۰ درصد بود. به این ترتیب، بالاترین نرخ بازدهی متوجه سفته‌بازی زمین شد. علاوه بر شوک نفتی، سیاست‌های تورم‌زا نیز طی چند دهه اخیر باعث شدند تا طبقه‌ای در ایران شکل گیرد که با سفته‌بازی زمین و مسکن، سود سرشاری را به دست می‌آورد و پشتیبان طراحی‌های سیاستی تورم‌زا است. به اعتقاد نگارنده، در شرایط کنونی اقتصاد ایران، این طبقه نقش موثری در طراحی نهاد ساختار اقتصادی ایران دارد و حمایت زیادی از سیاست‌های تورم‌زا می‌کند که به خسران فعالیت‌های اقتصادی مولد و توسعه صنعتی منجر می‌گردد. نوشتار حاضر، تلاشی در جهت نمایاندن سازوکار این تأثیر ناخوشایند است.

طراحی نهادی، چشم‌انداز نظری

کنشگران، از تمامی منابع لازم. اعم از منابع اقتصادی. برای تامین اهداف خود برخوردار نیستند. درجات مختلفی از تخصص‌گرایی و توزیع اولیه منابع در جوامع به گونه‌ای بوده که مبنایی برای مبادله متقابلاً سودمند ایجاد می‌کرده است. مبادله منابع، در پرتو قواعد حاکم بر آن صورت می‌گیرد. این قواعد طی زمان تطور یافته‌اند. به دیگر سخن، کنشگران، علاوه بر این که در مبادله منابع درگیرند، به مبادله حق کنترل بر منابع و تعیین نسبت مبادله نیز اشتغال دارند (کلمن، ۱۳۷۷: ۵۳-۵۰). بدینسان، دو شکل کلی مبادله از یکدیگر قابل تفکیک هستند: نخستین شکل، مربوط به مبادله خود منابع است. منتها مبادله حق کنترل بر منابع و طراحی قواعد مبادله نیز در یک فرایند هم‌تطوری (Co-evolutionary) با مبادله منابع جریان دارد. بنابراین، کنشگران در عین این که در بازار مبادله منابع شرکت دارند، به بازی طراحی نهادی قواعد مبادله و تلاش در جهت بهسازی آن در راستای منافع خویش، یعنی فرایند تعیین حقوق به صورت عرفی و رسمی، نیز می‌پردازند (سبلیس، ۱۹۹۰). توزیع منابع، قدرت چانه‌زنی، استحکام شبکه‌های برخاسته از

فرایند هویت‌یابی و تبدیل پایگاه یکسان اجتماعی به مقوله، از جمله عوامل مؤثر در تعیین بازدهی استراتژی‌های طراحی نهادی است. البته به نظر می‌رسد که چنین انگاره‌ای به علت اتکا به چارچوب‌های تحلیلی نظریه بازی با گوهر اصلی جریان نهادگرایی سازگاری درونی نداشته باشد. جریان غالب مطالعه نهادها متکی بر دیدگاه‌های «هابز»، «اسمیت» و «کووز» بوده است. مطابق دیدگاه هابزی، دولت با استفاده از قوه قهری، مزیت نسبی در اعمال خشونت، به بیان نهادگرایان، نظم اجتماعی را ایجاد می‌کند. به اعتقاد «نورث» (۱۹۹۰) قواعدی که در سپهر سیاست تعیین می‌شوند، به همراه سازوکار اجراء، قواعد بازی اقتصادی را پیش روی می‌نهند و بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. با وجود این، نکاتی وجود دارند که اتکای صرف بر دیدگاه‌های هابزی و پافشاری بر خردگرایی سازنده‌گرا را محل تامل قرار می‌دهند. اول، همانطور که گریف (۲۰۰۲) نشان می‌دهد، شیوه تبیین بالا از نیاز به بررسی بنیادهای نهادی نتایج سیاسی غافل می‌شود. هیچ دولتی وجود نداشته که از نزاع بین گروه‌های سیاسی مختلف پیشگیری کند. درون یک واحد سیاسی نیز هیچ کسی

ساخت و ساز مسکن در ایران، به سمت انحصار شدید متمایل شده است.



در سرزمین های خشک با جمعیت پراکنده، ناامنی سیاسی زیاد است و گروهی که دارای امکانات برتر در اعمال خشونت است، می تواند به حکومت برسد.

جوامعی که از نظر جغرافیایی تراکم جمعیتی زیادی دارند و از منابع آب و زمین وافر برخوردارند، شرایط تقریباً عکس حالت بالا خواهد بود. در این مناطق، گروه‌هایی از مردم از موقعیت مسلط در بازی طراحی نهادی برخوردار می‌شوند که با توجه به بافت قدرت چانه‌زنی بالایی داشته باشند. آنها جریان اطلاعات را با توجه به اندازه مبادلاتشان منحرف می‌کنند و چنین می‌نمایند که طراحی نهادی به نفع گروه‌های دیگر نیز انجام می‌شود.

ساختار نهادی تولید

نهادها، قواعد بازی در عرصه فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کنند. سازمان‌ها در چارچوب انگیزش و قیود ناشی از استقرار نهادها، به حداکثرسازی منافع کارفرمایان خود می‌پردازند و به این ترتیب، ماهیت تولید از ساختار ماتریس نهادی تأثیر می‌پذیرد. از طرف دیگر، قیود نهادی با تعیین مسیر بسط و توسعه نوع دانش بر روند پویایی‌های تولید نیز تأثیر می‌گذارند. در مواردی که ساختار پاداش‌ها و انگیزش‌های نهادی به فعالیت مولد تعلق می‌یابد، می‌توان انتظار داشت که تولید بسامان باشد و بهره‌وری بالا به رقابت‌پذیری

نیست که از انحصار قدرت قهری برخوردار باشد. بدین سان، نیاز به بررسی بنیادهای نهادی بازار نیز نادیده گرفته می‌شود.

طی اواخر دوره قرون وسطا، پایه نهادی لازم برای تقویت تجارت راه دور وجود داشته است. این ساختار، حقوق مالکیت بازرگانی را که کالای خود را به دوردست می‌فرستادند، تضمین می‌نمود. علاوه بر این، در ادبیات نهادگرایی مدام تذکر داده می‌شود که نهادهای غیررسمی بر اهداف طراحی نهادهای رسمی تأثیرگذارند و نمی‌توان با قوه قهری صرف، به استقرار نهادی خاص پرداخت. در نهایت، اگر دیدگاه فوق را به طور کامل بپذیریم، نمی‌توان تفاوت نتایج علمی استقرار نهادهای یکسان را در کشورهای مختلف نشان داد، مگر اینکه به حوزه اجرا و مطلوبیت کارگزاران توسل جویم. در این صورت، از الگوی بنیادین هابزی دور خواهیم شد. با این حال، نتیجه این نیست که الگوی برخاسته از نگرش هابزی را به طور کامل کنار بگذاریم و به الگوی خردگرایی تطوری "هایک" روی آوریم. مشاهدات فراوانی وجود دارند که توزیع نابرابر قدرت چانه‌زنی در معامله، باعث وابستگی مسیر تعادل‌های بازی به رویه‌های غیررقابتی در توزیع منابع شده است. در واقع، کل نظم اجتماعی را نمی‌توان با صرف اتکا به الگوی نظریه بازی تحلیل و پویانمایی نمود، منتها توجه به بافت شکل‌گیری نظم اجتماعی در برهه‌های مشخص کمک می‌کند تا با شناسایی توزیع اولیه منابع، قدرت چانه‌زنی و قواعد موجود، از فواید الگوی تحلیلی نظریه بازی بهره‌مند شویم، ضمن این که گوهر اصلی نهادگرایی تأکید بر عدم تکافوی متریک تحلیل خطی دارد و نیاز به متریکی است که تعاملات منجر به استقرار نهادها و تحولات آنها را نشان دهد. نظریه بازی به علت احتساب تعاملات استراتژیک و انتخاب در یک بافت تعاملی متریک مناسبی برای تحلیل نهادی به دست می‌دهد.

به طور خلاصه، کنشگران، علاوه بر مبادله منابع، در بازی طراحی نهادی قواعد مبادله نیز درگیرند. بافت شکل‌گیری بازی طراحی نهادی در توزیع اولیه قدرت چانه‌زنی، اطلاعات و استراتژی‌ها موثر است. پویایی‌های نسبت جمعیت و منابع بافت بازی را مشخص می‌کنند. این پویایی از ویژگی‌های جغرافیایی نیز تأثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر، در مناطقی که از نظر جغرافیایی توزیع جمعیت پراکنده است و اقلیمی خشک دارند، ناامنی سیاسی زیاد است و گروهی که دارای امکانات برتر در اعمال خشونت است، می‌تواند بر این منطقه حاکم شود. در چنین شرایطی، قدرت سیاسی، عامل افزایش قدرت چانه‌زنی در مبادله اقتصادی است، یعنی قدرت سیاسی به قدرت اقتصادی می‌انجامد و کسب منابع سیاسی، به معنای سرمایه‌گذاری در افزایش بازدهی استراتژی‌های بازی مبادله منابع اقتصادی است. در



▲ هزینه‌های ناشی از تأثیر محیط کسب و کار نیز به هزینه‌های تولیدی افزوده می‌شوند.

وجود داشته است. بالابودن هزینه مبادله، باعث می‌شود تا بنگاه‌های متوسط و بزرگ مقیاس توسط بخش خصوصی شکل نگیرند و سرمایه‌ها به سمت احداث واحدهای تولیدی کوچک بروند. در صورتی که دولت نیز اقدام به احداث واحدهای بزرگ مقیاس کند، ساختار صنایع دوگانه خواهد شد. از آنجا که بیشتر بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه یکپارچه نیستند و نرخ‌های متفاوت بهره در آنها اعمال می‌شود، لذا دوگانگی صنایع به همراه این نایکپارچگی، به انحصار می‌انجامد و فضای کسب و کار محدود می‌شود. به ویژه در صنایع بزرگ مقیاس دولتی، مدیران از نفوذ خود در کانون‌های رانت استفاده می‌کنند و شرایط بنگاه‌های کوچک به تقسیم بازار و حوزه نفوذ توسط صنایع وابسته می‌شود. باید توجه داشت که فروش صرف این واحدهای بزرگ نیز کمکی به رقابتی شدن فضا و کاهش دوگانگی نخواهد کرد. گروه‌های هم‌سود با گسترش نفوذ خود از طریق تقویت کنترل خود بر منابع در مجاری دیگر فعالیت اقتصادی فضای کسب و کار را همسو با منافع خود متاثر می‌سازند و میدان گرانشی حاصل از اعمال نفوذ آنها، باعث ایجاد انحراف در جریان اطلاعات بین فعالان اقتصادی می‌شود. به این ترتیب، فضای کسب و کار نامطمئن‌تر می‌شود و فعالان غافل از این واقعیت، در توهم جریان شفاف اطلاعات فضای رقابتی شده، به نابهینه‌سازی موقعیت خود می‌پردازند. در واقع، فعالان اقتصادی، از منظر دیگری فعالان سیاسی‌اند. به عبارت دیگر، افراد حاضر در یک جامعه، از یک طرف، در بازی اقتصادی کسب سود

بیشتر بینجامد. برعکس این حالت، زمانی است که ساختار پاداش و انگیزش نهادی به نفع فعالیت‌های نامولد است و نمی‌توان انتظار داشت که تولید مولد، سهم مناسبی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص دهد. حتی در اقتصادهایی که از دوران صنعتی گذر کرده‌اند و به عصر اطلاعات وارد شده‌اند و سهم بخش خدمات در آنها بیشتر است نیز خدمات به تولید مولد پیوند خورده و اقتصاد زیرزمینی، بنیادهای تولید را فلج نکرده است.

بنابراین، هزینه‌های ناشی از تأثیر محیط کسب و کار نیز به هزینه‌های تولیدی افزوده می‌شوند. به دیگر سخن، تولید، علاوه بر هزینه‌های مربوط به قیمت عوامل تولید و ترکیب آنها، تحت تأثیر هزینه‌های تحمیلی محیط بنگاه و کارآمدی یا ناکارآمدی نهادهای موجود نیز قرار دارد. فراتر از نظریه پردازی خیالی در دنیای بدون گرایش نوکلاسیک‌ها، چینی‌سازی فراتر از مدل ساده بهینه‌سازی و تبعیت ساده تخصیص از مکانیسم قیمت‌ها در فرایند بازار آزاد به تعیین ساختار تولید انجامیده است.

همانطور که قبلاً اشاره شد، فاعلان اقتصادی، همه منابع لازم برای نیل به اهداف خود را در اختیار ندارند و از این رو، وارد فرایند مبادله می‌شوند. مبادله، پیش شرط تامین اهداف اقتصادی فاعلان اقتصادی است. در مواردی که مبادله در یک جامعه کوچک صورت می‌گیرد و انتظار می‌رود که به علت محدود بودن افراد دارای کنترل بر منابع مورد نیاز، تکرار شود، انجام مبادله بدون هزینه است. اما با پیچیده‌تر شدن محیط تعامل انسانی و گسترش مقیاس مبادله، اطمینان از پابندی طرفین به مفاد قرارداد مبادله کمتر می‌شود و امکان فرار با سودها افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، یافتن طرف مبادله، اطمینان از پابندی وی به مفاد قرارداد و کشف تخلف و مجازات متخلف، از مولفه‌های هر مبادله هستند و بدون وجود طرف سومی با اقتدار، بی‌نظر و بی‌طرف در مبادله، هزینه این فهرست به هزینه تولید اضافه خواهد شد. از آنجا که نهادها عامل اساسی کاهش نااطمینانی محیط کنشند، لذا ماتریس نهادی و قیود حاصل از آن بر ساختار این هزینه‌ها در تولید و در نتیجه، بر هزینه تولید تأثیر می‌گذارد. مجموعه این هزینه‌ها را «رونالد کووز» هزینه مبادله نام نهاده است. به اعتقاد وی، هزینه مبادله علت وجودی تشکیل بنگاه است.

هزینه مبادله

هزینه مبادله، دربرگیرنده هزینه‌های کسب اطلاعات درباره طرفین مبادله، کیفیت کالاها یا خدمات موضوع مبادله، هزینه عقد قرارداد و نظارت بر عملکرد طرف دیگر و هزینه‌های مربوط به تعریف حقوق مالکیت، تضمین و اعمال این حقوق است. بسته به مقیاس مبادلات سطح معینی از هزینه مبادله

شرکت دارند و از طرف دیگر، برای طراحی نهادی قواعد بازی در عرصه سیاسی با هدف افزایش قدرت چانه زنی خود تلاش می کنند. بنابراین، هر عضو جامعه، در شبکه ای چندلایه از بازی ها درگیر است. عضویت در کانون های توزیع رانت در جوامع جهان سومی، به افزایش تاثیرگذاری در بازی طراحی نهادی منجر می شود، یعنی وابستگان طبقه حاکم، طراحی نهادی را هم راستا با منافع خود انجام می دهند و از این مجرا، بازی اقتصادی را به نفع خود پیش می برند. زمانی که گروه های مختلف با مواضع متفاوت در ساختار حاکمیت وجود داشته باشند، طراحی نهادی روند یکسانی را طی نمی کند و بازیگران اقتصادی در فضای کسب و کار نامانی قرار می گیرند که در آن رفتار دولت ضابطه مند و قابل پیش بینی نیست. در نتیجه، بازیگران به فعالیت های غیرمولد و زیرزمینی روی می آورند و دلالی بر اقتصاد حاکم می شود.

طراحی نهادی، نمای عملی

حیات اجتماعی ایران در هزاره خورشیدی حاضر، در محیط جغرافیایی نامانی استمرار یافته است. نامانی، مشخصه تاریخی جامعه ایرانی است که به سبب شرایط جغرافیایی خاص آن، کم آبی و پراکندگی جمعیت در فلات قاره ایران، بافت شکل گیری مبادله اجتماعی و طراحی نهادی را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. به علت سیطره نامانی، قدرت سیاسی در ایران، مقدمه کسب قدرت (و منابع اقتصادی) است، یعنی قدرت سیاسی، باعث افزایش قدرت چانه زنی در مبادلات اقتصادی و طراحی نهادی و تغییر نسبت مبادلات به نفع گروه حاکم می شود. تاریخ ایران، شاهدهی بر این مدعاست: به محض این که گروهی بر ایران حاکم می شد، به تاراج و غارت کشور می پرداخت تا سرانجام به انحطاط و زوال می رسید. البته این غارت همواره در شکل خشن آن صورت نمی گرفته است، زیرا پارادوکسی که دولت ها با آن مواجه بوده اند نیز بر شدت هزینه مبادله و نامانی اقتصادی حاکم بر فضای کسب و کار موثر می افتاد. در واقع، دولت ها از یک طرف، به دنبال حداکثرسازی ثروت طبقه حاکم بودند و از طرف دیگر، بهبود شرایط کسب و کار، به درآمد آنها در بلندمدت کمک می کرد و حجم بالقوه غارت آنان را فزونی می بخشید. در تاریخ اقتصاد ایران، هر زمان که فضا امن تر می شد، اقتصاد رونق داشت و اقتصاد ایران پیوسته در حالت رونق نسبی و رکود در نوسان بوده است. گاه نیز شدت غارت به حدی زیاد بود که دیگر تا دوره های مدید چیزی برای غارت نمی ماند و حاکمان از سرناچاری. و نه عزم اصلاح امور. غارت را متوقف می کردند تا دوباره با فعالیت مردم چیزی برای غارت وجود داشته باشد. در این باره، غازان خان به سرداران خود می گوید: «من

غازان) جانب رعیت تازیک (ایرانی) نمی دارم، اگر مصلحت است تا همه را غارت کنم، بر این کار از من قادرتر کسی نیست. با اتفاق به غارتیم، لیکن اگر من بعد تغار و آتش توقع دارید و التماس نمایید، با شما خطاب عنیفم و باید که شما اندیشید که چون بر رعایا زیادتی کنیم و گاو و تخم ایشان و غله ها بخورانید، من بعد چه خواهید کرد؟»

با وجود این که این شکل از غارت در لابه لای سطور تاریخ جامانده، نمی توان از وابستگی به مسیر طی شده ایده غازانی صرف نظر کرد و نامانی فضای کسب و کار را در این دوران کتمان کرد. در چنین بافتی، می توان انتظار داشت که گروه های فربه از نظر اقتصادی، پشتوانه سیاسی قوی داشته و در طراحی نهادی از موقعیت مناسبی بهره مند باشند.

پس از وقوع شوک اول نفتی در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، شیوع عوارض بیماری هلندی در اقتصاد ایران، یکی از نتایج ممکن می توانست باشد. در واقع، طراحی نهادی منجر به بیماری هلندی، بدون طراحی اکتساب منافع حاصل از شرایط جدید صورت نگرفته است. پس از بروز عوارض بیماری هلندی، مالکان زمین و مسکن بازدهی قابل توجهی از دارایی خود کسب کردند. البته نامانی اقتصاد ایران، همواره باعث گرایش انباشت زمین و انباشت دارایی های غیر واقعی در زیر زمین می شده است. پس از بروز عوارض بیماری هلندی، بورژوازی ملاکان، منابع اقتصادی زیادی را به دست آوردند. سپس با توجه به بازدهی سرشار سفته بازی روی زمین و مسکن، پشتیبانی از سیاست های تورم زا، به استراتژی مسلط این گروه در بازی طراحی نهادی تبدیل گردید.

سیاست های تورم زا، علاوه بر این که بازدهی زیادی را عاید این گروه کرده است، به ایجاد و افزایش نابرابری نیز انجامیده است. افزایش نابرابری هم باعث افزایش توانایی شاخص بندی (Indexation) و تعدیلات قیمت زمین و مسکن به نفع بیشتر از نرخ تورم می شود.

نابسامانی اقتصادی پس از اجرای سیاست تعدیل در اواخر دهه ۱۳۶۰ خورشیدی نیز به تورم شدید در اقتصاد ایران و تقویت بیشتر این گروه منجر گردید. به علاوه، این گروه تنها گروهی از اقتصاد ایران است که دو بار توانایی تعدیل شاخص خود را دارد: یکبار پس از آغاز سال نو و تعدیل قیمتی که در تمامی فعالیت ها انجام می شود؛ و یکبار دیگر، پس از اتمام قراردادها در فصل تابستان. ضمن این که شاخص بندی توسط این گروه، بیش از نرخ تورم می باشد. شاخص بندی بیش از حد تورم در اقتصادی که دستمزدهای گروه حقوق بگیر و اجاره نشین آن به میزان تورم تعدیل نمی شود، باعث شده است تا گروه دوم به حومه شهرهای بزرگ بگروند. افزایش تقاضا برای زمین های حومه شهر نیز به سودآوری

در شرایط فعلی،
تجویزهای طرفداران
ایده رهاسازی و
تحویل سکان اقتصاد
ایران به مکانیسم
بازار، نه تنها فضا را
رقابتی نمی کند، بلکه
به افزایش قدرت
چانه زنی بورژوازی
ملاکان می انجامد.

افراد حاضر در یک
جامعه، از یک طرف،
در بازی اقتصادی
کسب سود شرکت
دارند و از طرف دیگر،
برای طراحی نهادی
قواعد بازی در عرصه
سیاسی با هدف
افزایش قدرت
چانه زنی خود تلاش
می کنند.

جدول شماره دو
تعداد کل واحد مسکونی ساخته شده

سال	تعداد
۱۳۳۵	۳۹۸۵۵۱۰
۱۳۴۵	۳۸۹۸۷۱۹
۱۳۵۵	۵۳۰۵۵۳۸
۱۳۶۵	۸۲۱۷۳۷۹
۱۳۷۵	۱۰۷۷۰۱۱۲
۱۳۸۵	۱۵۸۵۹۹۲۶

مأخذ: مرکز آمار ایران

در رابطه با تولید نیز همین شرایط مصداق دارد. به عبارت دیگر، بورژوازی ملاکان، موقعیت مسلط بازار غیررسمی سرمایه را نیز دارد و با اعمال نرخ بهره بسیار بالاتر از نرخ تورم، به تولید ضربه می زند. در این شرایط، نهادهای تولیدی کژکارند، سرمایه های مولد به جزایر امن - همانند امارات - می روند، سرمایه داری از هر نوع آن پانمی گیرد و کارآفرینانی که قرار است بورژوازی صنعتی را سامان دهند، سرمایه خود را به جای دیگری می برند یا به فعالیت های غیرمولد می پردازند. گروه های مسلط بر جریان اطلاعات و وابسته به کانون های توزیع رانت نیز از فضای نامن و تبعات آن کمال استفاده را می برند و با بهره مندی از نرخ بالای بهره در بازار غیررسمی و تورم، به سوداگری زمین و مستغلات می گروند و به عوض بورژوازی صنعتی، بورژوازی ملاکان شکل می گیرد. بورژوازی ملاکان در طراحی نهادی، قدرت چانه زنی بالایی دارد و از تشدید پتانسیل های تورمی سود می برد. زمانی که توجیه منطقی و برنامه محور، برای تحریک انتظارات در جهت افزایش مستمر سطح عمومی قیمت ها یا زمینه سازی تورم وجود ندارد، دست و پای نامریی بورژوازی ملاکان در طراحی نهادی به خوبی کار می کند.

البته بورژوازی ملاکان، علاوه بر مستغلات، در انحصارات دام گیستی (۱) نیز نقش مؤثری دارد. این طبقه، تنها طبقه همواره منتفع در اقتصاد ایران است و نباید نقش آن را تنها در سوداگری املاک خلاصه کرد. عوارض ناشی از بیماری هلندی نیز به انتفاع این طبقه منجر شده است. در پی شیوع بیماری هلندی در اقتصاد، با افزایش نقدینگی نزد مردم، در کوتاه مدت، طرف عرضه کم کشش است و توان پاسخگویی به تقاضای به وجود آمده را ندارد و تقاضای انباشته به افزایش سطح قیمت ها منجر می شود. در نتیجه، کالاهای وارداتی نسبت به کالاهای تولید داخل ارزانتر می شوند و به این ترتیب، کالاهای قابل مبادله وارد می شوند و در بلندمدت هم تولیدکنندگان داخلی آنها آسیب می بینند و کالاهای غیرقابل مبادله، مثل مسکن، مشمول افزایش شدید قیمت می شوند و

سفته بازی زمین های آن نواحی انجامیده است. در اواخر دهه ۱۳۷۰ چنین اتفاقی در نواحی لواسان تهران و سپس در نواحی غرب و شمال غرب تهران روی داد. علاوه بر این، محدودیت تراکم عمودی ساختمان نیز به موقعیت مسلط بورژوازی ملاکان کمک کرد. جدول شماره یک، تعداد کل پروانه های ساختمانی صادر شده از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۵ را نشان می دهد. جدول شماره دو نیز تعداد کل واحد مسکونی ساخته شده در کشور را از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ نشان می دهد. در حالی که از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵ تعداد واحد مسکونی ساخته شده نزدیک به سه برابر شده است، تعداد پروانه های ساختمانی صادره در همین دوره، کمتر از دو برابر شده است. با احتساب اینکه ساخت و ساز بدون مجوز ساخت در طی این دوران وجود داشته است، لذا می توان نتیجه گرفت که ساخت و ساز مسکن در ایران به سمت انحصار شدید متمایل شده است.

جدول شماره یک

تعداد کل پروانه های ساختمانی صادر شده در کشور

سال	تعداد
۱۳۵۹	۱۲۹۱۹۹
۱۳۶۰	۱۵۳۳۵۵
۱۳۶۱	۱۱۹۱۵۰
۱۳۶۲	۱۴۴۴۰۶
۱۳۶۳	۱۵۱۹۳۳
۱۳۶۴	۱۳۶۲۹۳
۱۳۶۵	۱۲۲۹۲۱
۱۳۶۶	۱۱۷۰۴۸
۱۳۶۷	۱۰۵۱۴۱
۱۳۶۸	۱۲۴۸۶۱
۱۳۶۹	۱۳۱۶۱۴
۱۳۷۰	۱۳۸۰۹۱
۱۳۷۱	۱۲۳۴۱۸
۱۳۷۲	۱۳۶۷۵۱
۱۳۷۳	۱۴۹۸۱۴۹
۱۳۷۴	۱۶۵۳۳۵
۱۳۷۵	۱۵۵۸۵۸
۱۳۷۶	۱۵۳۷۲۵
۱۳۷۷	۱۵۰۶۶۳
۱۳۷۸	۱۵۶۲۴۷
۱۳۷۹	۱۵۵۳۹۱
۱۳۸۰	۱۶۴۹۸۵
۱۳۸۱	۱۸۴۵۸۰
۱۳۸۲	۱۷۳۷۵۷
۱۳۸۳	۱۶۰۶۶۲
۱۳۸۴	۱۸۱۶۹۱
۱۳۸۵	۲۲۷۰۱۱

مأخذ: مرکز آمار ایران



من (غازان) جانب رعیت
تازیگ (ایرانی) نمی دارم.

آلمانی و ابداع کننده اصلی سیاست های حمایت از صنایع نوپا در آلمان بود. و منظور از دام کیستی هم وضعیتی است که سیاست حمایت از صنایع نوپا در اقتصاد ملی، به علت حمایت ضمنی از انحصارات، نه تنها به شکوفایی آنها نمی انجامد، بلکه سیاست های مزبور را به کانون توزیع رانت تبدیل می نماید.

منابع و ماخذ

- ۱) کلمن، جیمز / بنیادهای نظریه اجتماعی / ترجمه منوچهر صبوری / ۱۳۷۷ / نشر نی / تهران.
- ۲) نورث، داگلاس / نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی / ترجمه محمدرضا معینی / ۱۳۷۷ / مرکز اسناد و مدارک علمی سازمان برنامه و بودجه / تهران.
- ۳) وبسایت مرکز آمار ایران.

4) Greif, Avner. (2002) / The Game-theoretic Revolution in

of Book / Stanford University. Comparative and Historical Institutional Analysis / Draft

5) Tsebelis, George. (1990) / Rational Choice in Comparative

Politics / University of California Press.

دوباره بورژوازی ملاکان منتفع است.

در چنین شرایطی، تجویزهای طرفداران ایده رهاسازی و تحویل سکان اقتصاد ایران به مکانیسم بازار، نه تنها فضا را رقابتی نمی کند، بلکه به افزایش قدرت چانه زنی بورژوازی ملاکان می انجامد. افزایش قدرت چانه زنی بورژوازی ملاکان هم به معنای طراحی نهادی نظم بازاری است که تعدیل های قیمتی را به نفع بورژوازی ملاکان نهادینه می کند. ساختار قانون و اجرای آن، مبادله را ممکن می کند، یعنی ساختار پذیرفته شده حقوق مالکیت و اجرای آن ناامنی را کاهش می دهد و باعث افزایش تولید می شود. دولت هم به عنوان طرف سوم می تواند با بسط مجموعه ای غیرشخصی از قوانین و اجرای آن، از هزینه های مبادله بکاهد.

زیر نویس

۱) فردریک لیست (List, Friedrich) ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۶ اقتصاددان